

آرته

جمهوری اسلامی

دوقطبی کردن جامعه،استراتژی آمریکاست

● تیلرسون با سخنان ناشیانه، دست خود را رو کرد و نشان داد که در آرزوی ایجاد یک فضای دوقطبی در ایران است. بیان این مطلب که واشنگتن در فکر تغییر نظام یا توسل به کسانی داخل کشور است، به‌ویژه به فاصله کوتاهی پس از انتخاب مجدد رئیس‌جمهور نشانی می‌دهد روند انتخابات ایران و نتایج آن، به کلی برای آمریکا و برنامه‌هایش مایوس‌کننده بوده و مشخصاً دارودسته ترامپ از یکپارچگی اتحاد ملت و حضور حماسی ۴۲میلیونی آنها در پای صندوق‌های رای به کلی ناامید شده و در فکر دیگری است، نتیجه این می‌شود که افراد مورد نظر تیلرسون و نتیجه این ترامپ، قطعاً در خارج از خیمه انقلاب و نظام هستند که دشمن به آنها امید بسته و آرزو دارد به کمک آنها کاری از پیش ببرد. آشکار است که ترامپ و دارودسته‌اش این آرزو را همانند اسلافش به گور می‌برد، ولی این‌بار با ریسوایی افزون‌تری در مقیاس جهانی، دچار آنزوا شده و هیچ کشور مستقلی حاضر نیست همدست سیاست‌های رسوا و عریضه‌جویی‌های آمریکای ترامپ شود.

کیمیان

نوبت پاسخ‌گویی دولت به فاجعه برجام است

● … بدرغم نقدها و هشدارهای مشفقانه دلسوزان طی دو سال گذشته، اما لچ‌بازی نکذاشت رئیس‌جمهور واقعیت را ببیند و بپذیرد و آمریکانیز به مدد بانیان برجام‌ها، تحریم‌هایی وسیع‌تر و شدیدتر از مقابل برجام را به تصویب رسانده است. اکنون زمانی است که هیئت نظارت بر برجام باید وارد عمل شود، اما این هیئت چه اقدامی می‌تواند انجام دهد؟! … هیئت نظارت صرفاً و غیرمصلحت‌اندیشانه به مردم بگوید که «برجام از اول قابل نقض، بلکه نقض شده! نگارش شده است»، هیئت نظارت به مردم بگوید که تعدادی از شروط ۹گانه رهبری طی اجرای برجام هرگز رعایت نشد! غربی‌ها در ارتباط با بند اول شروط رهبری، هرگز نامه‌ای ارسال نکردند مبنی بر اینکه بعد از اجرای تعهدات ایران تحریم‌ها را «لغو» خواهند کرد… دولت که در این شرایط باید پاسخ‌گوی فاجعه و خسارت محض برجام باشد، در حال ماله‌کشی و زمینه‌چینی برای ب‌ح‌اه‌ها، دنگ است!

سرنوشت

اصلاح‌طلبان در اشتباهات خود تجدیدنظر کردند

● **محمد سلامتی**: … بخش‌هایی از جریان اصلاحات که در گذشته سبب برخی مشکلات شده‌اند، اشتباهات خود را پذیرفته‌اند و در رویکرد خود تجدیدنظر کرده‌اند. نکته دیگر اینکه آقای روحانی طی شخصیت اصلاح‌طلب نیکب و خاستگاه اصلاح‌طلبی ندارد. ایشان یک اصولگرای معتدل هستند که دارای دیدگاه‌های نزدیکی به جریان اصلاحات است. در نتیجه دولت آقای روحانی، یک دولت اصلاح‌طلب نیست، بلکه ترکیبی از اصلاح‌طلبان، اعتدالگرایان و اصولگرایان معتدل است. با این وجود در دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر تهران، لیست اصلاح‌طلبیان با اقبال بالای مردم به صورت کامل به پیروزی دست پیدا کرد. در نتیجه این اتفاقات نشان می‌دهد که در شرایط کنونی مردم خواستار حضور اصلاح‌طلبان در کانون‌های تصمیم‌گیری جامعه هستند. در نتیجه اصلاح‌طلبان باید از فرصت اعتماد مردم نهایت استفاده را ببرند و در تحقق مطالبات مردم جدی‌تر از گذشته باشند. اصلاح‌طلبان باید از اشتباهات گذشته درس بگیرند…

مقاله

مقابله با حضرت امام (ره) در پوشش مبارزه با رقیب

● **بدالله جوانی**: … ده‌های در داخل کشور به دنبال بزک‌کردن آمریکا بوده، حل مشکلات کشور را به مذاکره و رابطه با آمریکا به‌منظور کدخدای جهان گره می‌زنند. این افراد نام کار خود را هم آشتی با جهان گذاشته و مخالفان دیدگاه خود را تندر و معرفی می‌کنند! معادل‌سازی آمریکا و چند کشور سلطه‌گر با جهان و جامعه بین‌الملل که از سوی عده‌ای در داخل انجام شده، موجب گردیده تا آنان مخالفان کوتاه آمدن در برابر سلطه‌گران براساس مکتب امام را به‌عنوان طرفداران مقابله با جهان و دنیا معرفی کرده و خود را پرچمدار تعامل و آشتی با دنیا بدانند! آیا این رویکرد مقابله با مکتب امام (ره) نیست؟ …

تخریب

فعالیت‌های دانشجویی و صنفی را به رسمیت بشناسیم

● **جواد ظریفیان**: … در برخورد با دانشجوی، به نظر می‌رسد که باید ساز و کارهایی علاوه بر تقویت صندوق رفاه دانشجوی، تقویت وام‌های دانشجویی و تقویت خوابگاه‌های خودگردان ایجاد شود؛ باید شبکۀ مهمی در ارتباط با گسترش این امکانات از طریق شهرداری‌ها هم فراهم شود. در تمام کشورها هم این‌گونه است که بسیاری از شرکت‌ها، بخش خصوصی و افراد خیر در عرصه تأمین امکانات رفاهی دانشجویان فعال می‌شوند که در ایران هم چند سالی است این اتفاق افتاده ولی حرکتش کند است. علاوه بر اینها به نظر می‌رسد در برخورد با مسئله دانشجوی به مسئله بسیار حساس، فنی و ظریف و تخصصی دانشجویان فعال می‌شوند که در ایران هم چند سالی است این اتفاق افتاده ولی حرکتش کند است. علاوه بر اینها به نظر می‌رسد در برخورد با مسئله دانشجویان‌هایی با ظاهر مذهبی و افرادی با ظاهر رسمی مثل چادر، ریش، کت و شلوار، نوجوان‌ها، میان‌سالان و کهن‌سال‌ها روایت خود را از علی شریعتی می‌گویند. **سره‌راه طالقانی: معغازه‌کنرونیکی**؛ پیرمرد دختر جوانش را فرآ می‌خواند، او باید پاسخ‌گوی سؤال‌ها باشد. ۲۴ساله است و تازه مهندسی آتی‌را تمام کرده است. شریعتی در از چند کلمه تعریف می‌کند: «تحمل، تأمل، تعامل و تساهل»؛ پیرمرد ترش می‌کند؛ می‌گوید نه شریعتی را می‌شناسد و نه می‌خواهد بشناسد. او از

سیاست

روبه‌رو با مردم؛ علی شریعتی کیست؟

شریعتی به روایت عابران خیابان شریعتی



سیاست‌گریزان است و نمی‌خواهد شریعتی را به‌خاطر بیاورد. دختر سعی می‌کند گارد پدر را بشکند؛ «ما ارمنی هستیم»؛ این را دلیلی می‌داند که پدرش شریعتی را نشناسد. اما خود معتقد است: «با شریعتی باید سیاست را آموخت و از سیاست زندگی کردن را». **خیابان شریعتی: تقاطع خیابان ملک، سینما ایرانیان**؛ خیابان ولیعصر که کشیده می‌شود، خواستند جاده قدیم شمیران هم موازی خیابان پهلوی آباد شود. این خیابان کوروش نام می‌گیرد؛ خیابانی با سینماهای متعدد، سینما صحرا، سروش، ایرانیان، فرهنگ و چمران که هرکدام معماری نام‌آشنا دارد و امضای خود را پای ساختمان‌های این مکان حک کرده‌اند.

«…پوپکم، پوپک شیرین سخمنم/ تویی آن شبنم لغزنده کلبسِرگ امید/ من از آن دارم بیم/ کین لجنزار تو را پوپکم آلوده کند/ اندر این دشت مخوف/ که تو آزدایش ای پوپک من می‌خوانی…»؛ واژه با حرارت از زبان دختر جاری می‌شود بر فضایی دم‌کرده خیابان؛ او شعری از علی شریعتی می‌خواند که در شهریور ۱۳۳۶ آن را سروده است. دختر تن خود را به سایه دیوار «سینما ایرانیان» می‌رساند و می‌گوید ۴۰ساله

است؛ لیسانس ادبیات دانشگاه تهران؛ او شریعتی را بزرگ‌مردی می‌خواند که دستی بر ادبیات داشته، اما دختر، صمد بهرنگی را به شریعتی ترجیح می‌دهد: «گل سرخی درینما در هرس رفت/ امید عاشقان از دسترس رفت/ تنش را ماه و ماهی غسل دادند/ بی مایه خیانتش در ارس رفت…»؛ ۱۳۶۲ خیابان‌های شریعتی و بهرنگی پرفروش‌ترین کتاب‌های سال بودند؛ آن سال مجموعه کتاب‌های بهرنگی به چهار میلیون نسخه رسیده بود و کتاب‌های شریعتی به هشت میلیون نسخه. هنوز هم کتاب‌های شریعتی خوانده می‌شود؛ «فاطمه فاطمه است»، «تشیع صوفی، تشیع علوی»، «حج و «کوپریات».

چند قدم بالاتر از خیابان بهار شیراز، مردی تقریباً سی‌وچندساله سر باز می‌زند از گفتن درباره شریعتی. او می‌گوید: «شناخت تاریخی که بر ما گذشته به درد امروز ما نمی‌خورد.» گل‌فروش وقتی حرف‌های او را می‌شنود، می‌گوید: «مردم» دیگر از سیاست‌گریزان هستند؛ نام شریعتی هم با سیاست گره‌خورده است… آیا باید شریعتی را پشت سر گذاشت یا باید تاریخ را از نو و دوباره خواند؟ شاید جامعه از دست‌رفته است و شتاب جامعه مدرن، ریشه‌ها را به بغما برده است!

خیابان شریعتی، خیابان پلیس؛ «عشق، ایمان، عرفان»؛ بلندبلند حرف می‌زنند و می‌خندند؛ سه‌نوجوانی که از مسیر مدرسه به سمت خانه در راه‌اند؛ با حرارت حرف می‌زنند و هر کدام دانش خود را به رخ دیگری می‌کنند؛ یکی از کتاب پدرش می‌گوید و دیگری از دوستانش با نام او نام‌آوازه شدند و بعدها شریعتی را به حاشیه راندند؛ اما اندیشه شریعتی زنده ماند و مانا. به مقاله «ایرانیان چه رؤیایی در سر می‌پروراند» از «میشل فوکو» اشاره می‌کند: «به سایه‌ای برمی‌خوریم که بر تمام زندگی سیاسی و… ایران امروز افکنده شده است: سایه علی شریعتی که مرگش، دو سال پیش، این جایگاه ممتاز را در تشیع به او بخشیده که حاضر نادیبدی و غایب همیشه‌حاضر باشد». پیرمرد می‌گوید: «او مرد ایمان، تقوا و عمل بود، حیف که زود چراغ عمرش خاموش شد.»

باید روایت مردم خیابان شریعتی را درباره علی شریعتی پرسید. گروه‌های سنی متفاوت به تصویری از شریعتی در ذهن خود دارند؟ برای پاسخ به این پرسش، باید از عابران، همه گروه‌های سنی در خیابان شریعتی درباره او پرسید. در دو روز متوالی عابران و ساکنان این خیابان، صاحبان مغازه‌ها، جمع‌جمع تجاری و اداری، کمپنت، مسجد، کتاب‌فروشی، جلوی ورودی ایستگاه مترو شریعتی، قلهک و صدر، ایستگاه اتوبوس‌های شهری، شهرکتاب‌ها، سینماها و سفره‌خانه، جلوی در آپارتمان‌ها و کوچه‌ها از شریعتی می‌گویند؛ جوان‌هایی با ظاهر مذهبی و افرادی با ظاهر رسمی مثل چادر، ریش، کت و شلوار، نوجوان‌ها، میان‌سالان و کهن‌سال‌ها روایت خود را از علی شریعتی می‌گویند. **سره‌راه طالقانی: معغازه‌کنرونیکی**؛ پیرمرد دختر جوانش را فرآ می‌خواند، او باید پاسخ‌گوی سؤال‌ها باشد. ۲۴ساله است و تازه مهندسی آتی‌را تمام کرده است. شریعتی در از چند کلمه تعریف می‌کند: «تحمل، تأمل، تعامل و تساهل»؛ پیرمرد ترش می‌کند؛ می‌گوید نه شریعتی را می‌شناسد و نه می‌خواهد بشناسد. او از

درست نمی‌داند و این دلیلی است برای دوری‌کردن از خوانش اندیشه شریعتی. در انسان‌شناسی اگزیستانسیال شریعتی، آدمی در بُعد فردی و اخلاقی دستخوش «نفع، ترس و جهل» است و سرمنشأ اجتماعی آن را «زور و زور و تزیور» می‌خواند. شاید نخستین گام برای فهم مفهوم رهایی، شناخت شکل متنوع اسارات است و ما گاهی اسیر تعصب و اکراه و اصرار. اگر دیروز از سوی منتقدانش با اتهام «التقاط»، «کمونیست»، «مسیحی» «اگزیستانسیالیست» و… روبرو بود؛ اگر در دهه ۵۰ علیه او جزوه «شریعتیسم» منتشر می‌شد و علیه‌اش فتوا صادر می‌شد، امروز عده‌ای ردپای او را نه در آزادی و اصلاح‌گری مداوم که در تفکر تندرو معاصر از رادیکالیسم تا بنیادگرایی می‌جویند.

چهارراه قصر؛ زندان قصر؛ قصرقاجار به زندان پهلوی تبدیل شد؛ داستان از آنجایی شروع شد که پهلوی، سمت از اعلامیه «من حکم می‌کنم» چهارم آبان ۱۳۰۴ به سرکوب مخالفان دست زد؛ او از همین زمان فهمید زندان نظمی کفایت این همه مخالف را ندارد؛ پس به سربستی معتمد درگاه‌ی، رئیس نظمی دستسور داد تا جایی را برای ساخت زندان در نظر بگیرد، زندانی برای خفه‌کردن صدهای مخالف، اما در وقت تنگ آن زمان، درگاهی از نیولوا مارکوف گرجی کمک خواست، او فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبای آکادمی سلطنتی سن‌پترزبورگ بود و کاخ شهربانی را طراحی کرده بود و در بازسازی مدرسه دارالفنون سرمهندس بود. پیشنهاده مارکوف ساختمانی آماده در محل قزاق‌خانه قصر بود. بعدها دیوار این زندان شاعران و نویسندگان زیادی را دربر کشید از محمد فرخی‌زیدی، شاعر زندانی و لبدوخته تا بزرگ علوی، از مهدی اخوان‌ثالث، احمد شاملو، تا محمود دولت‌آبادی پشت دیوارهای بلند زندان قصر ادبیات نوشتند و شعر سرودند.

پشت چراغ قرمز چهارراه قصر، سه زن میان‌سال ایستاده‌اند، ۵۵ ۶۰ساله. یکی از «فاطمه فاطمه است» می‌گوید و دیگری آن اسم هیچ کتابی را به‌خاطر ندارد و آن یکی سکوت را ترجیح می‌دهد به‌دلیل عدم شناخت. یکی لیسانس آمار دارد و دیگری دیپلم است. آنها می‌گویند: «شریعتی بعد از فوتش بیشتر معروف شد تا زمان حیاتش؛ و این به دلیل مظلومیت شریعتی است. یکی می‌گوید: «اول فکر می‌کردم شریعتی متعصبی مذهبی است و ضد زن؛ اما بعدها او را شناختم» و دیگری او را روشنفکری دینی می‌خواند که اندیشیدن را به میان مردم آورده است. **روز دوم، حسینیه ارشاد**؛ نامش گره خورده به نام علی شریعتی در کنار شهید مرتضی مطهری؛ شریعتی وصیت کرده بود در اینجا دفن شود؛ وصیتی که تا امروز عملی نشده است و دری که کمتر زمانی برای بزرگداشت شریعتی قفل آن باز شده است. قیلا چادری بزرگ بر زمین چالهرس می می‌کردند و جلستای شبانه؛ در این جلستای ناصر می‌ناچمی‌مقدم و مرتضی حسینیه حاضر بودند؛ تا اینکه نگاهش خود می‌گیرند حسینیه‌ای در این محل ساخته شود به دست ناصر میناچی‌مقدم، محمد هامیان و عبدالحسین‌علی آبادی در سال ۱۳۴۶ در زمین باغی به مساحت ده هزار مترمربع. تا اینکه شریعتی در سال ۱۳۴۸ ردای معلمی دانشگاه فردوسی مشهد را کنار گذاشت و بحث‌های تازه دینی خود را در حسینیه ارشاد به فاز خطابه‌های ایدئولوژیک نزدیک کرد. از همین‌جا اختلاف بعدی با شهید مطهری آغاز شد. او احساس می‌کرد که شریعتی با تأکید بر جامعه‌شناسی، الهیات را فدا می‌کند و بیش از حد، آزادانه از فلسفه سیاسی غرب اقتباس می‌کند.

شریعتی بعد از سوسیالیست خدابپرست‌بودن، بعد از مصدقی و نهضت آزادی‌بودن، با سازمان مجاهدین خلق اولیه ارتباط می‌گیرد؛ ارتباطی که به قصه «حسن و محبوبه» باز می‌گردد؛ داستانی که او تحت عنوان «طرحی برای نجات ایران به وسیله روشنفکر مسلمان» از تریبون حسینیه ارشاد مطرح کرد و در سوگ «حسن‌الادبوش» و «محبوبه متحدین» بیان شد؛ زن و شوهر مجاهد جوانی که آن‌قدر به شریعتی نزدیک شده بودند که مراسم عقد ساده‌شان با حضور او برپا شد. این ارتباط عاطفی ادامه داشت تا آن‌که با پیگیری‌های مداوم ساواک، ضربات سنگین تا مرحله اضمحلال جنبش چریک به سازمان وارد شد. در واقع، سال‌ها ۵۳ تا ۵۵ دوران ناامیدی تدریجی

شریعتی از مبارزه قهرآمیز با رژیم حاکم است. پس از این مقطع او قصد داشت به فاز مبارزه فرهنگی و آگاهی‌بخشی بازگردد؛ اما بسته‌شدن حسینیه ارشاد و فوت زود هنگامش مانع این کار شد. «دکتر شریعتی برای ما متولدان دهه ۵۰ که با نوشته‌ها و سخنرانی‌های حماسی او زندگی کردیم، یک قهرمان بود. دیوار اتاق‌مان پر بود از تصاویر او به همراه جملات شاهکاری که ویژه ادبیاتش بود». مرد فوق‌لیسانس جامعه‌شناسی است؛ او می‌گوید: «نگاه انقلابی آمیخته به روشنفکری دینی در آن زمان بسیار ارزشمند و گوهری گران‌بها بود. همچنان که نگاه نو شریعتی به اسلام و تشیع امروز می‌تواند پاسخی به مطالبات دینی و خودآگاهی جوانان پرسشگر این حوزه باشد». او شریعتی را فقط برشی از یک قطعه تاریخی نمی‌داند که اگر چنین بود، چنین در جان و دل ریشه نداشت. شریعتی و اندیشه او در جهان در حال جهانی شدن نبود؛ از مصر، افغانستان، ترکیه تا تاجیکستان؛ از لبنان، تونس و فرانسه تا مازن و ژاپن.

از زندگنه تا قلهک؛ دختری با ظاهری آراسته از تأثیر شریعتی بر زندگی‌اش می‌گوید: «شریعتی برای من یادآور نوجوانی ایدئولوژیک من است؛ وقتی تصمیم گرفتم از رشته ریاضی به علوم انسانی تغییر مسیر دهم، وقتی مطمئن شدم مهم‌ترین مسئله کشور مسائل جامعه‌شناسی است، نه مهندسی؛ وقتی به خاطر شریعتی دیندار شدم و هم‌زمان نقد اسلام صوفی را خواندم؛ از شریعتی عدالت را آموختم و تصمیم گرفتم برای فرودستان کاری کنم. درک امروز من از جامعه به خاطر تلنگرهایی است که شریعتی بر ذهن من زده است.» او فوق‌لیسانس علوم ارتباطات خوانده است و فعال مدنی است.

خیابان دولت؛ بالاتر از قلهک، مهندس جوان، شریعتی را نواندیشی که جلوتر از زمانه خود بود، می‌خواند: «او مقابل خوانش متحجرانه از دین ایستاد و به زبان اندیشه سعی در دوری جامعه از تحجر داشت. آزادی اندیشه مطالبه تاریخی اوست. از شریعتی و آثارش نمی‌توان عبور کرد، اما می‌توان او را از آن خواند.»

قطریه؛ **تپه قیطریه**؛ خانمی میانسال و چادری، به مجسمه‌ای تاریخی تکیه داده است که به حادثهٔ ۱۳ شهریور اشاره دارد. او بعد از سگوتی سنگین چنین درباره شریعتی می‌گوید: «روشنفکر دینی که روحانیت سنتی او را برنمی‌تابید و چنین شد که به شریعتی روا داشتی آنچه نباید…»؛ قیطریه را با نماز ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ به امامت شهید محمد مفتح می‌شناسند و راهیمیایی بعد از آن؛ اما کمتر کسی درباره تاریخ سفر او ۲۰ساله این منطقه می‌گوید و ساختمان‌هایی که بر گورستان تاریخی تهران بنا شده است. این راهیمیایی بعد از ۲۶ دی (فرار شاه) بیشتر می‌شود؛ مردم اسامی شخصیت‌های تاریخی مورد علاقه خود را بر خیابان‌ها و میادین اصلی شهر می‌نوشتند و در شعرهای راهیمیایی‌ها (ازجمله میدان شهدا و چهارراه صمدق) نیز آن را تکرار می‌کردند. بعد از پیروزی انقلاب از آنجاکه مسئولیت نام‌گذاری خیابان‌ها برعهده شهرداری تهران است، در همان روزهای اول تصدی اداره شهر تهران، شورایی از فعالان گروه‌های اجتماعی ملی- اسلامی دوران انقلاب نیز نظر خسرو منصوریان، معاون امور اجتماعی و رفاه شهرداری تهران، تشکیل شد که به کار نام‌گذاری معابر شهری نظارت داشت. محمد توسلی، اولین شهردار تهران، چنین روایت می‌کند: «خیابان قدیم شمیران را مردم در جریان راهیمیایی‌های تاسوسعا و عاشورا به نام آیت‌الله طالقانی نام‌گذاری کرده بودند. از آنجاکه حفظ آن مغایر ضوابط تعیین‌شده (فرد زنده نباشد) از طرف شورای نام‌گذاری بود، موضوع به صورت حضوری با آیت‌الله مطرح شد. ایشان ضمن تأیید ضوابط مذکور از پیشنهاد نام دکتر شریعتی به مناسبت موقعیت «حسینیه ارشاد» در این خیابان به گرمی استقبال کردند.» بعد از درگذشت مرحوم طالقانی در ۱۹ شهریور سال ۱۳۵۸ خیابان تخت‌جمشید سابق به نام ایشان نام‌گذاری شد. امروز نام جاده قدیم شمیران، خیابان کوروش، خیابان دکتر علی شریعتی است.

دختر جوان و چادری ساکن خیابان جمال‌زاده است؛ او فوق‌لیسانس معماری خوانده است؛ می‌گوید شریعتی را با نام خیابان می‌شناخت تا اینکه راهنش به موزه شریعتی افتاد؛ دیدن لباس، اسباب و اثاثیه، دست‌نویس و کتاب‌های شریعتی اولین تلنگری بود بر ذهن جست‌وجوگرش برای شناخت؛ آن زمان ۲۰ساله بود. حالا شریعتی را خوب می‌شناسد و معتقد است: «او بعد از فوتش در ۲۳ سالگی، بیشتر مشهور شد تا زمان حیاتش؛ و این به دلیل مظلومیت شریعتی است» و «روشنفکران دینی تجددخواه، متفکری که به دلیل اصالت در دیدگاه و نوع نگاهش به مسائل دینی، از جانب هر دو طیف ذکرشده مورد بی‌مهری قرار گرفت.» او را اندیشمند حوزه جامعه‌شناسی می‌خواند که به سنت دین و قرآن مسلط بود. مرد جوان معتقد است: «به اعتقاد من ساخت اسطوره از شریعتی با منش خود او ناسازگار است. باید از شریعتی آشنایی‌زدایی کرد.» «اسطوره‌شدن» مطلوب شریعتی هم نبود. روح عصیانگر پرفسور «شاندل» بارها می‌پرسید: «وقتی شمعی را فوت می‌کنیم، شعله‌اش کجا می‌رود؟» شاید شعله آن شمع امروز در خیابان شریعتی و در کوچه‌پس‌کوچه‌های جمال‌زاده جام‌حقیقت‌دین باشد؛ روایتی که در ۴۰ سال بعد از فوت وینامه دارد.

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیمیان

● مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور کومور تأکید کردند: کرسی دانم در شورای امنیت حق کشورهای اسلامی
● احمدی‌نژاد در دیدار وزیر دولت کویبا: دوران پیروزی و پیشرفت شروع شده است
● روح‌الله حسینیان؛ عبدالهی باید در فعالیت‌های مالی احتیاط کند
● سرلشکر فیروزآبادی: بسته پیشنهادی ۵+۱ در صورت عدم تبعیت از آمریکا مفید خواهد بود
● زهره الهیان، نماینده مجلس: تسویه‌حساب‌های سیاسی نباید در نظارت‌ها اعمال شود
● کاندولیزا رایس: دیپلماسی اولویت اول آمریکا در قبال ایران است
● برقیی خبر داد: جلوگیری از ورود دوهزارو صد میلیارد تومان نقدینگی با تغییرات در سازمان برنامه و بودجه سابق

تخریب

● آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: مصرف ۸۵ درصد درآمد‌های ارزی کشور در سال گذشته
● نیازی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرد عمده مطالب عباس پایلزار» خلاف واقع است
● رئیس سازمان زندان‌ها: زندانی سیاسی فعلاً نداریم
● خاویر سولانا، مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا خطاب به مقامات ایرانی: درخواست پاسخ سریع به بسته پیشنهادی
● متکی، وزیر خارجه: در زمان مناسب اولین واکنش ایران پس از کشوده‌شدن بسته پیشنهادی ۵+۱ را بیان خواهیم کرد

● سیدمحمد خاتمی: کاندیداتوری‌ام نیاز به بررسی ندارد

ایران

● فیروزآبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح: بسته‌های پیشنهادی ایران و غرب نقاط اشتراک خوبی دارد
● در کنفرانس خبری مشترک حسینی و معاون وزارت خارجه زاین مطرح شد: فرصت تازه برای تعمیق یوندهای دیرینه ایران و ژاپن
● هاشمی‌شاهرودی، رئیس قوه قضائیه: سیاست هسته‌ای کشور صحیح و دقیق است
● خاتمی، عضو هیئت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری: حجت شرعی در عرصه سیاسی، موضع ولی فقیه است
● وزیر امور خارجه: در زمان مناسب پیرامون بسته پیشنهادی ۵+۱ اظهارنظر می‌کنیم
● امیر مقدم، مسئول روابطعمومی جامعه اسلامی مهندسن: تشکیل حزب فرایکر با محوریت جامعه اسلامی مهندسن

اقتاب

● نیواه‌وطن، نماینده مجلس: هنوز در کشور، مهندسی فرهنگی نداریم
● محمد یزدی، دبیر شورای‌عالی مدیریت حوزه علمیه: حوزه علمیه باید پاسخ‌گوی نیاز کشور در تربیت متولان باشد
● رئیس قوه قضائیه: مبارزه با مفساد اقتصادی به دور از شعارزدگی باشد
● آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: وابستگی به نفت برای هر کشوری مصیبت است
● محمد هاشمی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام: ایران در صورت پذیرش بسته ۵+۱، بازنده خواهد بود

● حسین، سخنگوی وزارت خارجه: متولان ژاپنی از حقوق شهروندان ایرانی دفاع کنند

جمهوری اسلامی

● مقام معظم رهبری: کشورهای اسلامی برای داشتن کرسی دائم در شورای امنیت گام عملی بردارند
● احمدی‌نژاد در دیدار وزیر دولت و رئیس کویابی کمیسیون مشترک ایران و کویا: دوران پیروزی‌ها و پیشرفت‌ها آغاز شده است
● علی لاریجانی، رئیس مجلس: جایگاه والای سپاه و بسیج در حراست از دستاوردهای انقلاب بی‌بدیل است

● وزیر خارجه: هدف ایران ایجاد چارچوب همکاری و هم‌گرایی در خلیج فارس است
● آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی: نجات کشور در قطع وابستگی به نفت است

● سولانا، مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا: ملاقات با مقامات ایرانی بهتر از آنچه فکر می‌کردم، پیش رفت

● رئیس سازمان بازرسی کل کشور: منشأ بسیاری از مفساد اقتصادی در اقتصاد دولتی است
● مقام معظم رهبری: اتحاد نیاز اصلی دنیای اسلام است. جهان اسلام می‌تواند به یک قدرت تبدیل شود
● احمدی‌نژاد: روند صعودی بهای نفت کاملاً مصنوعی است
● سرپرست وزارت اقتصاد: نرخ سود بانکی برای همه بخش‌های اقتصاد ۱۲ درصد شد

● رایس: آمریکا دیپلماسی را درباره ایران ترجیح می‌دهد

اطلاعات